



به عبارت دیگر

اینکه هزینه نیست، فایده است!

– یکی از رسانه‌ها گزارشی با این عنوان دارد که: احیای وزارت بازرگانی، میلیاردها تومان هزینه دارد!

البته باید توجه کنیم که این مبلغ درواقع هزینه نیست، بلکه درحقیقت فایده است! به عبارت دیگر چون در کشور هم جوان بیکار زیاد داریم و هم پول سرگردان، هر چند سال یک بار دو سه تا از وزارتخانه‌ها را در هم ادغام می‌کنیم و مدت‌ها برای شاغلان نهادهای مطالعاتی دولت و مرکز پژوهش‌های مجلس و مسئولان قوای مقننه و مجریه، اشتغال تولید می‌شود. بعد از آن وقتی چند سال گذشت، مجدداً طرح تفکیک وزارتخانه‌ها را مطرح می‌کنیم و باز هم مدت‌ها مسئولان نهادهای مختلف، مشغول بررسی تفکیک می‌شوند و با وزارتخانه‌های جدید و طراحی چارت‌های تشکیلاتی جدید، چندین شغل برای معاونت‌های مختلف و اداره‌های کل مربوط و منشی‌ها و مشاوران و معاونان هر کدام ایجاد می‌شود.

– یکی از نمایندگان مجلس گفته است: باید برای دولتی که عنوان خرید محصولات کشاورزان را ندارد، گریست!

می‌ن دولت... از اونا فقط... خاطره هاشون... به جا می‌مونه! از حضور یکایک شما که برای تسلاي خاطر با ماندگان تشریف آوردید،

تشکر می‌کنیم و متقابلاً این مصیبت بزرگ را به داغداران تسلیت عرض می‌کنیم!

– رئیس کل بانک مرکزی: اصلاح ظاهر پول، مهم است!

به عبارت دیگر حالا که زورمان به باطن پول نمی‌رسد، اقلادستی به سروگوش و قدوقیافه‌اش بکشم.

آقا زاده تحصیلاتشون چیه؟ هیچی، متأسفانه اصلاً نتوانست درس بخونه ولی ما الان داریم از سلمانی می‌اییم! خب، خونه دارن از خودشون؟ نه، خونه نداره، ولی موهاشو خوب زده شغل چی؟ شاغل هستند؟ نه، ولی کفشش رو دادیم واکس زدن! سر بازی رفته اند که؟ نه، ولی کت وشلوارش رو همین امروز از اتوشویی گرفتیم پوشیده!

– یکی از روزنامه‌ها با تعجب از افزایش هم‌زمان منازل مسکونی و تقاضای اجاره مسکن (از سال ۵۷ تا ۹۷) نوشته است: تعداد مسکن دوربرابر شد، مستأجران هم!

درحالی که این موضوع تعجب ندارد، به عبارت دیگر هر چه صاحبخانه‌ها رقم ودیعه و مبلغ اجاره را افزایش می‌دهند، مستأجران هم نمی‌توانند انتظار صاحبخانه را تأمین کنند، پس بی‌خانه می‌شوند و دنبال خانه می‌گردند و از طرف دیگر خانه‌ای که آن‌ها تحویل داده‌اند، خالی می‌شود، پس در آمار هر ساله، هم تعداد خانه‌های خالی دارد بیشتر می‌شود و هم تعداد متقاضیان اجاره! بنابراین هر دو آمار به‌طور موازی دارد رشد می‌کند! اگر سؤال دیگری هم داشتید، در خدمتم.

– روزنامه‌ای هم با اشاره به خبر سرعت مبلغ هنگفتی ارز و اسکناس از خانه یکی از نمایندگان مجلس با تیتر «ماجرای عجیب و غریب یک سرعت» به شرح موضوع پرداخته است.

در خبر سرعت که شگفتی خاصی وجود ندارد، پس احتمالاً شگفتی به سارق مربوط می‌شود؛ چون مثلاً باتوجه به نطق‌های انتخاباتی جذاب نمایندگان و عکس‌های تبلیغاتی آنان، تصویری متفاوت داشته و با خودش فکر می‌کرده که نهایتاً قرار است یک زیلوی مندرس و چند کاسه و بشقاب از خانه این مدعیان ساده‌زیستی و همراهی با محرومان بردارد، آن‌هم به‌عنوان تیمن و تبرک! برای همین وقتی در داخل خانه یک نماینده مجلس با این مبلغ کلان ارز و اسکناس روبه‌رو شده، دچار حیرت و سرگردانی گردیده و با تعجب و شگفتی با خودش گفته که حتماً ادرس را اشتباه آمده‌ام!

زردی من از تو!

درباره اخبار زرد و حواس‌پرتی‌های مجازی که راهشان را به معتبرترین رسانه‌ها هم باز کرده‌اند و طرفداران بی‌شمار دارند



طرح: محمدرضا امیرشاه‌ولد

«یوشا ضیعی و استایل جدیدش در یک مراسم خصوصی / عکس»، «تصویر برهنه محسن افشانی و همسرش در استخر»، «تیپ دیدنی سحر قریشی و مادرش + عکس و فیلم»، «پوشش جنجالی بهنوش طباطبایی در تهران و مشهد + تصاویر» دیدن تیتراهی در قسمت مطالب پربیننده و داغ سایت‌ها و کانال‌های خبری و خبرگزاری‌ها، دیگر به یک موضوع عادی تبدیل شده است. رسانه‌ها اخبار زرد را با تیتراهای غلو شده روی صفحاتشان در سایت‌ها و شبکه‌های مجازی قرار می‌دهند، مردم از این اخبار استقبال می‌کنند و بازدید سایت‌ها یا لایک صفحات افزایش می‌یابد، پس رسانه‌ها بیشتر سراغ این اخبار می‌روند و سلیقه مردم به سمت اخبار بی‌ارزش ولی جنجالی متمایل می‌شود. این چرخه معیوب آن قدر ادامه پیدا می‌کند تا بالاخره این حقیقت گم می‌شود که آیا خبرگزاری‌ها مقصر هستند که چنین اخباری را منتشر می‌کنند و باعث ابتذال سلیقه مردم می‌شوند یا مردم هستند که با دنبال کردن این اخبار، رسانه‌ها را برای بقا به سمت ابتذال هل می‌دهند. پاسخ دادن به این سؤال شاید در شرایط فعلی فایده‌ای نداشته باشد؛ چراکه باید به دنبال جواب سؤال مهم‌تری بود؛ اینکه در دنیای پر از خبرهای زرد و سطحی، من و شما به‌عنوان مخاطب، چطور می‌توانیم خودمان را از این حواس‌پرتی‌های شیرین ولی سمی نجات دهیم؟

خطر برخورد با اخبار زرد

خبرهایی از موضوعات به‌ظاهر جذاب ولی در باطن بی‌اهمیت مثل صبحانه خوردن یک هنرپیشه یا لباس یک خواننده که آن‌ها را به‌عنوان اخبار زرد می‌شناسیم، از انتهای قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم پایش به رسانه‌ها باز شد؛ جایی که مجلات ارزان‌قیمت با کاغذهای کاهی و صفحات زیاد، سعی کردند توجه مخاطب را با چنین مطالبی به خود جلب کنند و اتفاقاً در این کار موفق بودند. حالا با

گذشت بیش از ۱۰۰ سال از شروع آن جریان، اخبار زرد سر از هر رسانه‌ای از کاغذی گرفته تا دیجیتال، درآورده است. این اخبار توجه مخاطب را نشانه گرفته‌اند و مواجهه ما با آن‌ها مثل فردی است که سنگی بزرگ که رویش چیزی نوشته است از دور به‌سمتش می‌آید، فرد از سنگ‌کاو و برای اینکه بفهمد چه چیزی روی سنگ نوشته شده است، از مقابله آن کنار نمی‌رود تا لحظه‌ای که متوجه نوشته بی‌اهمیت روی آن می‌شود ولی دیگر برای کنار رفتن از مسیر سنگ دیر شده است. چندبار با تیتراهایی مثل «پوشش عجیب فلان بازیگر + عکس»، «تصویر فلان بازیگر در مهمانی خصوصی + فیلم» و این‌طور چیزها روبه‌رو شده‌اید؟ چقدر توانسته‌اید با وسوسه کلیک کردن روی آن بجنگید، درحالی که به‌تجربه برای بسیاری از ما ثابت شده است که محتوای این اخبار و پست‌ها چیز خاص و به‌دردهخوری ندارد؟

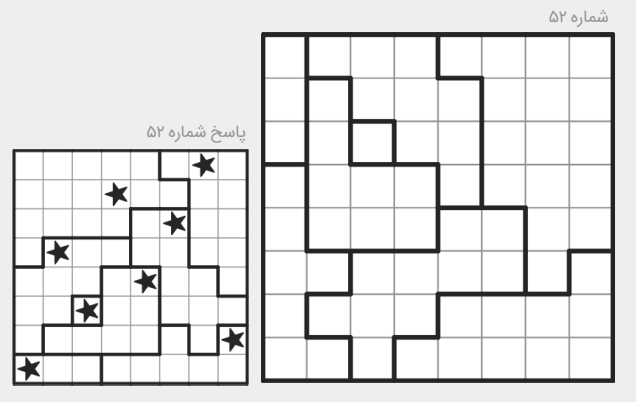
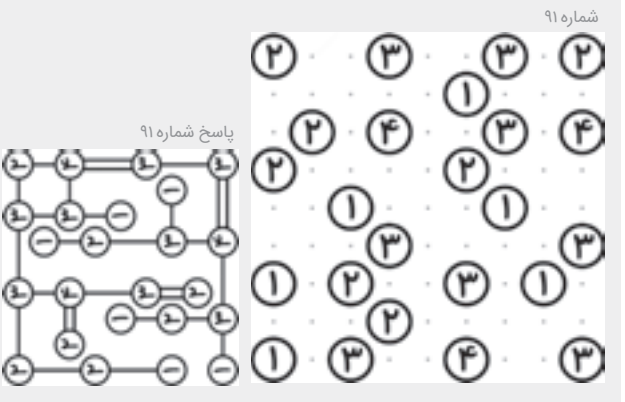
قیمت توجه ما چقدر است؟

شاید بپرسید ایراد دیدن اخبار زرد چیست؟ دیدن و توجه به این اخبار، ایراد خاصی ندارد! البته اگر از دست دادن توجه و ابتلا به حواس‌پرتی را ایراد در نظر بگیریم، گئورگ ژمیل، جامعه‌شناس آلمانی، حدود ۱۰۰ سال قبل در نوشته‌هایش هشدار داده بود که انسان‌ها در دنیای شلوغ آمیخته به فناوری، توجه از سز کنج‌کاو و برای اینکه بفهمد چه چیزی روی سنگ نوشته شده است، از مقابله آن کنار نمی‌رود تا لحظه‌ای که متوجه نوشته بی‌اهمیت روی آن می‌شود ولی دیگر برای کنار رفتن از مسیر سنگ دیر شده است. چندبار با تیتراهایی مثل «پوشش عجیب فلان بازیگر + عکس»، «تصویر فلان بازیگر در مهمانی خصوصی + فیلم» و این‌طور چیزها روبه‌رو شده‌اید؟ چقدر توانسته‌اید با وسوسه کلیک کردن روی آن بجنگید، درحالی که به‌تجربه برای بسیاری از ما ثابت شده است که محتوای این اخبار و پست‌ها چیز خاص و به‌دردهخوری ندارد؟

راه خلاصی و در امان ماندن از این حجم خبر زرد و بی‌ارزش که حالا سر از هر سایت معتبر و غیرمعتبری درآورده است و خواه‌ناخواه باعث حواس‌پرتی و تغییر سبک زندگی ما می‌شود، یک ترند ساده است؛ اینکه بدانیم کل این ماجرا

پل سازی

قوانین بازی: ۱. پل برای هر جزیره (دایره) به تعداد عددی که وسط آن نوشته شده است، پل زدن به جزیره را به یکی از جزایر اطرافش وصل می‌کند. بسازید. ۲. تنها می‌توانید از خطوط راست عمودی یا افقی استفاده کنید و نمی‌توانید خطوط اریب یا ال کشید. ۳. بین ۲ جزیره بیش از ۲ پل نمی‌شود ساخت. ۴. پل‌ها نباید هم‌دیگر را قطع کنند ولی در انتها همه جزیره‌ها باید به هم راه داشته باشند.



جدول ۲۷۸۰

فضا	میانروی	دشمن دادن	تحقیق	حرف ۷	هدر رفتن	تکنولوژی
مجموعه شعر سعیدیاپانکی	خجالت	درشت معلول	زبان زرم‌ها	انگلیسی اهل کنجه	رواج ارانیده	سرگشاده
تیم فوتبالی در بوندسلیگا ستانیده	دور کشیدنی	مالامال	بخش مرکزی یویر احمد رفت و آمد زیاد	دوستان ستاره	پس‌ندادنی خشن مردان	
نهی از نالیدن انتها	معشوق	مطلب زدنی شجاع	همش زنی زاده دکتر شریعتی	فعالیت بسیار اپبند	کرمینه	
عامل تکثیر قارچ‌ها صمد	دخالت کردن دارو یا سوزن ستیزه	روند بی‌آغاز مفرد	دیرینگی	پول اردوغان		
تربید مزد						
گوشش مناسب برای خویش پهلوان	فیلسوف الهامی عمر روشنگری					

شماره ۲۷۷۹	پاسخ جدول ۲۷۷۹
طراح: محمدرضا علیرزاده	shahr.puzzle@shahrara.com

حاضر جواب

۱. ابرار اقتصادی- سکه بهار آزادی از دلار سبقت گرفت.

سکه: کلی جنس دیگه پشت سرم هستن که هی چراغ می‌دن!

۲. رئیس کل بانک مرکزی: حذف چهار صفر از اسکناس، چهار سال زمان می‌برد.

مردم: به جای اینکه سالی یک صفرشو بردارین، اسکناسو ببرین کنار قیمت اجناس نگه دارین، اگه خودش صفراش نریخت!

۳. تصمیم اپل برای ساخت آیفون در هند البته با شناختی که از فیلم‌های هندی داریم، این آیفون‌های هندی ممکنه با گوشی صاحبشون، خواهربرادر از آب در بیان!

۴. خبر آنلاین-محققان به تازگی دریافته‌اند که زیاد نشستن برای سلامتی، مضر است.

حالا فهمیدید اینکه تو اتوبوس از جامون با پانی شیم تا پیرمردها بنشینن، اهمیت دادن به سالمندان و سلامتی شون محسوب می‌شه؟

کله ونگ

مشتباً نخعی‌راد



«مجید سوزوکی» مجری مره

دش مگه مو ایجوریم؟ ولم بدن دگه بزم طیاره بیروم. نه، چاخان نیمکنم، پلت نیستم؟ شما چی ساده‌ین. بلدی نمخه. لا کردار الان یگ جوری شیر تو شیره که هیچی سر جای خودش نیست. انا، شما بگا کنن، لیسانس‌ه‌ها که یگ زمانی خودشاره با کاج و قلم‌چین هلاک می‌کردن که کنکور قبول بزن، حالا دزن تو اسنف و تف‌سی، رانندگی ممکن. بی‌سوادای آسمون جل دزن همایش موفقیت در جیک ثانیه بر گزار مکنن، پزشکا دزن ساختمان مسازن، بازیگریم یا دزن تو پیچشالایک گدایی مکنن یا مزن تلویزیون مگن دشاش یگ برنامه درست کنن که ما مجری بزم.

دگه تلویزیون از «ممدرضا گلزار و پژمان باغی و کامران قنّتی» خسته رفته، با خودش فک کرده چکا کنیم، چکا نکنم؟ انا، همی یرگه «مجید سوزوکی» ره ورمدرم مبارم و یگ برنامه پدش میدم بیره رو آنتن. ایچور رفته که برنامه «دست‌فرمون» ره مدّن دشاش گلم «کامبیر دیرباز» مجریگری کنه.

بعد مزن از «بهنام صفاریان» که کارگردان برنامه‌یه، می‌پرسن که دشاش! مگه کخ دزن؟ ایقده مجری درم که دزن بیکار می‌رخن و چکا ره از تو آغلشا کشیم مکنن، بر چی ایچور کردن؟ نه ورمدره و نه می‌دره، مگه: «یره مو ددیم ای دشاش کامبیز خیلی دست‌فرمون خوبی دره!» مو نمدمم مجریگری مگه به دست‌فرمون ربط ایقده دست‌فرمون خوبی درم، تو وکیل‌آباد یگ جوری لایی می‌کشم که همه، هموجو ممان! جان مشتباً قول مدم هر چی دیرباز گرفت، مو یگ پینچمش ره بگیرم، قسمیم بدن، مشکلیم ندره. ها پُخدا.

بین خودما بشه، الان هم یگ جور خیطی رفته که وقتی بازیگر مجری مشن، برنامه‌شا مشکل پیدا مکنه و درش تخته مره، مو که پخیل نیستم، ولی می‌ترسم تا داشم پخه جابیفته و یگ ستاره‌مربعی چیزی درست کنه، یگن دشاش خسته نباشن و درشه بیستن. بعد به جای «دیرباز»، پدش یگن «زودبسته»!